رویکرد

پایان اشغال و افغانستان پسا اشغال روی میز است

مذاکره همزمان طالبان با واشنگتن و تهران

طالبان افغانستان با امریکا برای خروج از افغانستان و با ایران درباره افغانستان پسا اشغال مذاکره می‌کند؛ مذاکراتی که به شکل قابل توجهی همزمان شده است.

سخنگوی دفتر سیاسی طالبان در قطر دیروز همزمان با پنجمین دور مذاکرات طالبان با امریکا در قطر، گفت که این گروه و امریکا در دور پنجم گفت‌وگوهای صلح به توافقاتی ابتدایی دست یافته‌اند. به گفته سهیل شاهین، در این مذاکرات که با حضور ملا برادر، نفر شماره ۲ طالبان، زلمی خلیل‌زاد نماینده ویژه امریکا و اسکات میلر فرمانده نیروهای امریکا در افغانستان در دوحه برگزار شده، به توافقات ابتدایی دست یافته‌اند ولی زمانبندی برای خروج امریکایی‌ها از افغانستان این گفت‌وگوها را کمی کندتر کرده است. سهیل شاهین، سخنگوی دفتر سیاسی طالبان در قطر گفته است: «دور قبل هم بر این توافق شده بود که امریکایی‌ها از افغانستان بیرون شوند و از خاک افغانستان علیه هیچ کشوری استفاده نشود اما اکنون روی یک مسوده (پیش‌نویس) کار جریان دارد.» طلوع‌نیوز دیروز از قول منابع آگاه نوشت که مذاکرات طالبان با امریکا گاهی تا ۱۴ ساعت به درازا می‌کشد و هر دوطرف دربارهٔ جزئیات چگونگی بیرون شدن نیروهای خارجی از افغانستان و اینکه افغانستان در برابر هیچ کشوری تهدیدی نباشد، گفت‌وگوهای نفسگیری را به پیش می‌برند. حسن حقیار، فعال سیاسی در افغانستان می‌گوید که توافقات میان طرف‌ها نهایی شده است: «توافقات نهایی شده و روی نوشتن آن کار ادامه دارد و امید است که در آیندهٔ نزدیک شاهد نهایی شدن آن باشیم.» وحید مژده، فعال سیاسی در این باره می‌گوید: «بحث، از روی مسائل کلی رسیده است به مسائل جزئی و بحث دربارهٔ جزئیات، معمولاً بسیار زمان‌بر می‌باشد.» ذبیح‌الله مجاهد سخنگوی طالبان نیز پیشرفت مذاکرات با طالبان را تأیید کرده ولی گفته که این مذاکرات «به طور تدریجی» پیش می‌رود. ذبیح‌الله مجاهد دیروز در صفحه توئیتر خود نوشت: «این موضوع بسیار حساس و مهم است، به همین اندازه به احتیاط به پیش برده می‌شود، در مذاکرات ماه گذشتهِ جنوری بر خروج نیروهای خارجی از افغانستان و عدم استفاده خاکِ افغانستان علیه کشورهای دیگر توافق صورت گرفته بود اما در دور کنونی مذاکرات بر جزئیات و چگونگی موضوعات ذکرشده بحث جریان دارد.» دیروز همزمان با دور پنجم مذاکرات طالبان با امریکا، در تهران اعلام شده که یک تیم از طالبان هم روز شنبه در وزارت امور خارجه با عباس عراقچی، معاون ظریف مذاکره کرده است. بهرام قاسمی از تعبیر «مذاکرات مفصل» برای مذاکرات عراقچی با تیم طالبان استفاده کرده است. این دومین بار طی هفته‌های اخیر است که تیمی از طالبان در وزارت امور خارجه با عباس عراقچی مذاکره می‌کند. بعد از دور قبلی مذاکرات طالبان در تهران، طالبان در بیانیه‌ای اعلام کرده بود که هیئت اعزامی توسط این گروه به تهران درباره «وضعیت پسا اشغال، اعاده صلح و امنیت در افغانستان و منطقه» با طرف ایرانی مذاکره کرده است. بهرام قاسمی درباره جزئیات مذاکرات طالبان در تهران سخنی نگفته ولی تأکید کرده که با توجه به اینکه افغانستان ۵۰ درصد از اراضی‌اش در اختیار طالبان است و با توجه به ناامنی و بی‌ثباتی که در افغانستان است، با تمایل و اعلام این موضوع به دولت افغانستان این موضوع صورت گرفت. وی گفته که هدف اصلی این مذاکرات یافتن راهکار و مساعدت برای گفت‌وگوهای گروه‌های افغانی و دولت این کشور به منظور پیشبرد روند صلح در این کشور است.

دورنما

کنگره و ترامپ در مسیر دوئل بر سر وضعیت اضطراری

کنگره قصد دارد اعلامیه وضعیت اضطراری ملی رئیس‌جمهور امریکا را متوقف کند و این اقدام می‌تواند به صدور اولین حکم وتو در کاخ سفید دونالد ترامپ منجر شود.

به گزارش ایسنا، به نقل از پایگاه خبری هیل، سناتور رند پل به عنوان چهارمین سناتور جمهوریخواه امریکایی تأکید کرد که علیه اعلامیه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا برای تأمین بودجه دیوار مرزی امریکا – مکزیک رأی می‌دهد. سناتور رند پل تأکید کرد از اعطای «اختیاراتی فراتر از قانون اساسی» به ترامپ حمایت نمی‌کند.

او افزود: نمی‌توانم به اعطای اختیاری به رئیس‌جمهور امریکا رأی بدهم تا او پول بیشتری که کنگره آن را اختصاص نداده است، در جایی هزینه کند. شاید ما به پول بیشتری برای امنیت مرزی نیاز داشته باشیم اما کنگره مجوز آن را صادر نکرده است. اگر این نظارت و بررسی از بین برود، رویه خطرناکی می‌شود.

رأی چهار سیاستمدار جمهوریخواه برای مقابله با اعلامیه دونالد ترامپ در صحن سنای امریکا لازم است و سناتور رند پل چهارمین رأی مخالف است. این رویه مقابله‌ای احتمالاً موجب می‌شود رئیس‌جمهور امریکا از اولین وتو خودش در کاخ سفید استفاده کند. اعلام وضعیت فوق‌العاده از سوی ترامپ موجب شده است جمهوریخواهان در موضعی غیرقابل‌دفاع قرار بگیرند. گرچه آنها از رویگردانی از ترامپ نگرانند، اما این نگرانی هم وجود دارد که تصمیم او یک سابقه حقوقی برای رؤسای جمهوری دموکرات در آینده ایجاد کند و آنها برای حل و فصل موضوعات جنجالی از جمله تغییرات آب و هوایی از آن استفاده کنند. مجلس نمایندگان امریکا اخیراً قطعنامه مخالفت با وضعیت اضطراری دونالد ترامپ را با ۲۴۵ رأی موافق تصویب کرده است و ۱۳ جمهوریخواه در کنار دموکرات‌ها از این قطعنامه حمایت کردند.

■ انسان بی‌گناه و ژنرال‌های نفهم

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا روز یک‌شنبه در حساب توئیتر خود بار دیگر دموکرات‌های امریکا را هدف حملات لفظی قرار داد و از آنها انتقاد کرد. به نقل از نشریه هیل، وی در حساب توئیتر خود نوشت: پس از گذشت حدود دو سال از آزار و اذیت ریاست جمهوری، تنها مسئله‌ای که اثبات شده این است که دموکرات‌ها و دیگران قانون را نقض می‌کنند. شهادت خصمانه کوهن که به وسیله یک دروغگو برای کاهش زمان محکومیتش در زندان گفته شده است، اثبات کرد که هیچ تبانی وجود نداشته است. کتاب جدید او نشان داد که آنچه او گفت یک دروغ تمام عیار بود، اما رسانه‌های جعلی آن را پوشش نمی‌دهند. من یک انسان بی‌گناه هستم که به وسیله افرادی بد، فاسد و ناسازگار در یک «تعقیب توهمات» که غیرقانونی است، گرفتار شده‌ام.

رئیس‌جمهور امریکا در توئیتی دیگر نوشت: آزار و اذیت ریاست جمهوری به وسیله دموکرات‌های «دیوانه» در بالاترین سطح در تاریخ این کشور قرار دارد. در عین حال شیطانی‌ترین و فاسدترین رسانه‌هایی را داریم که یک رئیس‌جمهور باید تحمل کند. اما دو سال گذشته موفق‌ترین سال برای یک رئیس‌جمهور بوده است. از سوی دیگر، نیویورک‌تایمز گزارش داد، دونالد ترامپ نگران است که ژنرال‌ها و آژانس‌های اطلاعاتی کشورش در تجزیه و تحلیل اطلاعاتی خودشان مسائل تجاری و اقتصادی را در نظر نگیرند. یک مقام سابق دولت امریکا به نیویورک‌تایمز گفت: دونالد ترامپ گاه پس از جلسات امنیت ملی گلایه می‌کند و می‌گوید: «ژنرال‌های من تجارت نمی‌فهمند.»

براساس گزارش‌ها، ترامپ تأکید داشت مقام‌های امنیتی تجارت و اقتصاد را در کانون تمرکزشان قرار دهند و برخی از مقام‌ها را وادار می‌کند تا درباره جنبه‌های اقتصادی درگیری‌های بین‌المللی فکر کنند. به گفته مقام‌های کاخ سفید، ترامپ همچنین در جلسات اطلاعاتی و نظامی درباره هزینه پایگاه‌های خارجی امریکا و هزینه دفاعی برای متحدان امریکا سؤال کرده است.

کاخ سفید، امریکای لاتین را حیاط خلوت می‌داند

تقبیح بازگشت امریکا به «دکترین مونرو»

گزارش یک

مشاور امنیت ملی دولت امریکا با اشاره به آنچه «دکترین مونرو» خوانده می‌شود، مدعی شد واشنگتن برای دموکراتیک نگه داشتن امریکای لاتین حق دارد در امور ونزوئلا مداخله کند. وزیر خارجه روسیه در واکنش به این ادعا، با بیان اینکه این دکترین در حال رنگ باختن است، گفت که امریکا با توسل به زور، سعی در براندازی کشورهایی دارد که خواسته‌هایش را تأمین نمی‌کنند.

امریکا که نتوانسته است با ابزارهای دیپلماتیک و فشارهای اقتصادی، دولت قانونی ونزوئلا را سرنگون کند، به فرمان‌های تاریخی متوسل شده است تا از این طریق برنامه‌های مخرب خود را به پیش ببرد. جان بولتون، مشاور امنیت ملی دولت امریکا با اشاره به آنچه «دکترین مونرو» خوانده می‌شود، به صراحت امریکای لاتین را حوزه نفوذ خصوصی واشنگتن دانست و گفت که ایالات متحده حق دارد برای دستیابی به اهداف خود، در امور داخلی این کشورها دخالت کند. بولتون که در هفته‌های گذشته در رأس پیکان هجمه دولت امریکا علیه ونزوئلا قرار گرفته، یک‌شنبه شب در مصاحبه با شبکه «سی‌ان‌ان» در مورد تناقض میان حمایت واشنگتن از دیکتاتورهای عربی و در عین حال ادعای دموکراسی‌خواهی در ونزوئلا گفت: «ایالات متحده از دکترین مونرو پیروی می‌کند و معتقد است که امریکای لاتین باید کاملاً دموکراتیک باشد». بولتون همچنین درباره توئیت‌هایی که در هفته‌های اخیر علیه نیکولاس مادورو، نوشته است، مدعی شد: «می‌دانید، تا الان من حدود ۱۵۰ توئیت در مورد ونزوئلا منتشر کرده‌ام و این آزمایش تازه‌ای در زمینه دیپلماسی عمومی است. واقعیت این است که ما داریم تلاش می‌کنیم که از انتقال مسالمت‌آمیز قدرت از مادورو به خوان گوایدو، که ما او را رئیس‌جمهور می‌دانیم، جلب حمایت کنیم. بسیاری از افراد، به خصوص در جناح سیاسی چپ در این نیمکره و سرتاسر جهان، الان باید متوجه شوند که تجربه شکست‌خورده هوگو چاوز و نیکلاس مادورو باید پایان یابد. بنابراین، من می‌خواهم شاهد گسترده‌ترین ائتلاف ممکنی باشیم که می‌شود گردهم جمع کنیم تا مادورو را کنار بزنیم.»

دکترین مونرو اولین بار در سال ۱۸۲۳ از سوی «جیمز مونرو» رئیس‌جمهور وقت امریکا و با هدف مقابله با کشیده شدن درگیری قدرت‌های استعمارگر اروپایی به قاره امریکا مطرح شد، اما این دکترین در دهه‌های اخیر به بهانه‌ای برای امریکا بدل شده تا مداخله در امور همسایگان خود را با هدف روی کار آوردن دولت‌های همسو توجیه کند. با این حال، مقام‌های امریکایی به ندرت صراحتاً به پیروی از این دکترین اذعان می‌کنند.

مشاور امنیت ملی کاخ سفید در ادامه دخالت‌های مستمر امریکایی‌ها در امور داخلی ونزوئلا، ضمن دفاع از بازگشت اعلامی رئیس‌جمهور خودخوانده ونزوئلا به کشور، مدعی شد: «هر تهدید یا اقدامی علیه بازگشت امن او با پاسخ قوی و شدید امریکا و جامعه بین‌المللی مواجه خواهد شد.»

تهدید نظامی ونزوئلا در حالی است که امریکا طی چند ماه گذشته تلاش کرده است با استفاده از حربه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی از جمله تحریم، فشارها را بر دولت مادورو افزایش دهد و زمینه را برای سرنگونی وی فراهم آورد. مقامات واشنگتن انتظار داشتند با ارسال محموله‌های به اصطلاح بشردوستانه به ونزوئلا و دامن زدن به اعتراضات و تنش‌ها در این کشور، زمینه را برای مداخله نظامی فراهم کنند اما ایستادگی ارتش در برابر تحرکات واشنگتن، مانع از به‌کارگیری سناریوی مخرب علیه دولت مادورو شد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا و دیگر مقامات کاخ سفید بارها از روی میز بودن گزینه نظامی علیه مادورو سخن گفته‌اند و حتی خوان گوایدو مدعی شده است که برای برکناری مادورو از قدرت، از غربی‌ها خواهد خواست همه گزینه‌ها را به کار بگیرند.

■ واکنش مسکو

تلاش‌های امریکا برای مداخله احتمالی نظامی در ونزوئلا با واکنش تند روسیه روبه‌رو شده است. به گزارش خبرگزاری تاس، سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در یک کنفرانس خبری در چین اعلام کرد بیانیه مقامات امریکایی در خصوص روزهای پایانی دولت نیکلاس مادورو به این معنا است که کوبا و نیکاراگوئه کشورهای بعدی هستند که هدف سیاست‌های مداخله‌جویانه امریکا قرار می‌گیرند. لاوروف تأکید کرد که دکترین مونرو در مقایسه با دکترینی که در حال حاضر شکل گرفته، رنگ باخته است و امریکا با توسل به زور، سعی در براندازی کشورهایی دارد که خواسته‌هایش را تأمین نمی‌کنند. لاوروف گفت که تئوری و عمل حیاط خلوت به صورت گسترده توهین‌آمیز است. من معتقدم که دولت‌های امریکای لاتین به سخنان جان بولتون واکنش نشان خواهند داد. دکترین مونرو اگر در ونزوئلا مورد استفاده قرار گیرد، برای کل امریکای لاتین توهین‌آمیز است.

وزیر خارجه روسیه بر این عقیده است که هیچ یک از کشورهای امریکای لاتین و گروه لیما از گزینه نظامی علیه ونزوئلا حمایت نمی‌کنند و در این راه مسکو نیز تلاش می‌کند واشنگتن را از موضع خود دور کند. به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک، دیمیتری مدودف، نخست‌وزیر روسیه هم دیروز در سخنانی گفت: «روسیه تنها به دنبال برقراری آرامش در ونزوئلا است و امیدوار است همه کسانی که به آینده ونزوئلا و امریکای جنوبی بی‌تفاوت نیستند به این روند کمک کنند». مدودف اظهار داشت: «با تأسف فراوان، بخش آشتی‌ناپذیر مخالفان دولت ونزوئلا همچنان تحت تأثیر و نفوذ شدید خارجی قرار دارد، این نفوذ آنها را به گروهی آشتی‌ناپذیر تبدیل کرده است». روسیه حامی اصلی دولت مادورو است و از همان ابتدای بحران، با موضع‌گیری‌های تند نسبت به هرگونه ماجراجویی غربی‌ها علیه دولت قانونی ونزوئلا هشدار داد. مقامات مسکو در هفته‌های اخیر بارها اعلام کرده‌اند که هر اقدامی که در حمایت از مادورو لازم باشد، انجام خواهند داد. همین موضع‌گیری‌ها سبب شده امریکا و متحدانش در به‌کارگیری اقدامات نظامی در ونزوئلا، دست به عصا رفتار عمل کنند.

چالش

ممانعت امریکا از استقرار «حشدالشعبی» در مرز سوریه

عضو کمیسیون امنیت و دفاع در پارلمان عراق اعلام کرد که امریکا به دولت عراق فشار وارد می‌کند تا مانع رسیدن حشدالشعبی به نوار مرزی با سوریه شود.

کمیسیون امنیت و دفاع در پارلمان عراق از اقدامات نیروهای امریکایی علیه نیروهای سازمان «حشدالشعبی» (بسیج مردمی) عراق انتقاد کرد. علی جبار، عضو این کمیسیون به پایگاه خبری «المعلومه» گفت که «نیروهای امریکایی حاضر در نوار مرزی بین عراق و سوریه از طریق جنگنده‌ها و نیروهای جنگی خود مانع از رسیدن حشدالشعبی و هدف قرار گرفتن مراکز تجمع گروه تروریستی داعش در مناطق «الباغوز» در شرق سوریه می‌شوند». وی با بیان این مطلب افزود: «امریکا می‌کوشد مانع رسیدن حشدالشعبی به مرزهای سوریه شود زیرا آن خطر بزرگی برای طرح‌ها و برنامه‌های امریکا در عراق است». یک منبع امنیتی حاضر در استان «الانبار» هم اعلام کرد که نیروهای امریکایی با حمایت بالگردهای جنگی، منطقه «الرمانه» در مرزهای عراق و سوریه را شناسایی کردند. در حال حاضر، امریکا به همراه شبه‌نظامیان کُرد موسوم به «نیروهای دموکراتیک سوریه» با عناصر داعش در شرق سوریه توافق کردند و چند تُن طلا و میلیون‌ها دلار را که در اختیار داعش بود، از این گروه گرفتند. در همین راستا، «حسن الساری» دبیر کل جنبش «الجهاد و البناء» وابسته به سازمان «حشدالشعبی» اول اسفندماه از اقدامات امریکا علیه این سازمان انتقاد کرد و گفت که امریکا نخواهد توانست نیروهای حشدالشعبی را از مرز عراق با سوریه دور کند. از سوی دیگر، پس از اعلام شورای استانداری الانبار مبنی بر حضور صدها تروریست داعش در مناطق صحرایی الانبار، نیروهای امنیتی اعلام کردند که این مناطق، نظامی به شمار می‌روند. یک منبع آگاه به شبکه «العهد» عراق گفت که نیروهای امنیتی عراق، صحرای الانبار را منطقه نظامی اعلام کردند و از غیرنظامیان به ویژه دامداران حاضر در این منطقه خواسته شده است که خارج شوند.

گزارش ۲

لاوروف: نیازی به کارگروه جدید درباره سوریه نیست

وزیر خارجه روسیه با تأکید بر اهمیت روند آستانه اعلام کرد نیازی به کارگروه جدید درباره سوریه نیست. به نظر می‌رسد این موضع لاوروف در واکنش به اظهارات اخیر مقامات صهیونیستی صورت گرفته است.

سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه روز گذشته در نشست خبری مشترک با محمد بن عبدالرحمن آل‌ثانی، همتای قطری خود در دوحه گفت: «من در رایزنی‌های خود در پایتخت قطر بر سر موضوع تشکیل کارگروه‌های جدید صحبت نکردم، زیرا ثبات به سوریه بازگشته است و چارچوب‌های لازم برای بهبود اوضاع این کشور وجود دارد.»

این اظهارات لاوروف در حالی مطرح می‌شود که منابع اسرائیلی پس از سفر اخیر بنیامین نتانیاهو به مسکو مدعی شدند پوتین از برپایی کارگروهی برای خارج کردن همه افراد مسلح خارجی از سوریه خبر داده که شامل نظامیان ایران و «نایبان» آن نیز خواهد شد. البته خود پوتین روز بعد از دیدار با نتانیاهو از تشکیل کارگروه جدید درباره سوریه حرف زد اما گفت که طرح کشورش ایجاد کارگروه‌هایی برای تشکیل ساختار عملی و بین‌المللی با هدف عادی‌سازی اوضاع سوریه بعد از نابودی آخرین کانون‌های تروریستی در این کشور است. حالا لاوروف می‌گوید: «من به تشکیل کارگروه دیگری درباره سوریه نیازی نمی‌بینم. فرآیند آستانه برای همگان شناخته شده است و نظام سوریه و مخالفان سوری در چارچوب آن به مذاکره می‌پردازند و مذاکرات موفقی با میانجیگری ایران، روسیه و ترکیه انجام شده است.»

از دیگر موضوعاتی که لاوروف روز گشته درباره آن حرف زد بحث بازگشت دمشق به اتحادیه عرب است و بار دیگر بر لزوم حضور سوریه در این اتحادیه تأکید کرد. هرچند وزیر خارجه قطر مخالفت کرد و گفت: «ما دلایل این مسئله را پیش‌تر تشریح کردیم، دلایلی برای تعلیق عضویت سوریه وجود داشت و همچنان هم پابرجا هستند، هیچ چیزی برای تغییر این تصمیم رخ نداده است، ما به وجود راه‌حل سیاسی مورد پذیرش مردم سوریه در این کشور پایبندیم، به طوری که کرسی سوریه برای رهبری سیاسی، نماینده همه مردم سوریه باشد.» این موضع قطر در حالی است که امارات سفارت خود را در دمشق بازگشایی کرد و عراق و لبنان نیز از بازگشت سوریه به اتحادیه عرب حمایت کرده‌اند. به نظر می‌رسد دلیل مخالفت قطر در چارچوب رقابت با امارات و حمایت از اخوان‌المسلمین است.

■ ناامیدی شیوخ از سفر اسد

روزنامه «واشنگتن‌پست» با اشاره به اختلاف‌نظر میان کشورهای عربی در مورد عادی‌سازی روابط با دمشق، نوشت: سفر اسد به تهران نشان داد این استدلال درست نیست که نزدیکی اعراب به دمشق باعث دوری ایران خواهد شد. روزنامه «واشنگتن‌پست» روز دوشنبه در گزارشی در مورد وضعیت سوریه از اختلاف‌نظر میان کشورهای عربی در مورد برقراری روابط دیپلماتیک با سوریه خبر داده و نوشته است که در نشست ماه جاری اتحادیه عرب، مسئله بازگرداندن کرسی سوریه به دولت این کشور، به بحث گذاشته می‌شود. بر اساس این گزارش، در حالی که امریکا بر ادامه سیاست «اعمال فشار به دولت سوریه» و «منزوی نگه داشتن» دمشق تأکید دارد، روسیه در گفت‌وگو با کشورهای عربی آنها را به تعامل بیشتر با دولت سوریه تشویق کرده است.

بنا بر این گزارش، انتظار می‌رود در نشست اتحادیه عرب، عراق و تونس از بازگشت سوریه به این جمع حمایت کنند، اما عربستان سعودی و مصر همچنان با این امر مخالف بوده و از شکل‌گیری اجماع جلوگیری می‌کنند. امارات عربی متحده نیز می‌گوید تا زمان پیشرفت روند سیاسی در تلاش‌ها برای مصالحه اتحادیه عرب با سوریه مشارکت نمی‌کند. این در حالی است که ابوظبی چندی پیش سفارت خود را در دمشق بازگشایی کرد. «انور قرقاش» وزیر مشاور دولت امارات در امور خارجی تلاش برای احیای نفوذ عربی در سوریه را دلیل این اقدام بیان کرده و گفته اعراب با ترک سوریه راه را برای افزایش نفوذ ایران و ترکیه در سوریه باز کردند.

وی در این مورد به واشنگتن‌پست گفته است: «الان اعراب هیچ نفوذی در دمشق ندارند؛ صفر. دلیل آن این است که ما در سال ۲۰۱۱ تمام پل‌ها را از بین بردیم و این به بازیگران منطقه‌ای مانند ترکیه و ایران اجازه داد تعیین‌کنندگان اصلی باشند و ناگهان قدرت اعمال نظر اعراب به صفر رسید.» با این وجود، قرقاش می‌گوید به عقیده ابوظبی تعامل با اسد بهتر از بیکار نشستن است. وی گفت: «آنقدر ساده نیستیم که تصور کنیم همان هفته نخست یا ماه نخست یا سال نخست که سفارت خود را باز کردیم، جایگزینی برای ایران ایجاد می‌شود اما به عقیده ما، لازم است که پل‌های عربی‌ای وجود داشته باشد که دمشق بتواند به آن اتکا کند. فکر نمی‌کنیم امارات عربی متحده [به تنهایی] تفاوتی ایجاد کند، اما معتقدیم که این بخش و جزئی از یک تصمیم جمعی‌تر عربی در مورد سوریه خواهد بود و اطمینان داریم که این اتفاق می‌افتد.»

نگاه

رضا رحمانی‌پور

بایسته «عدم تعهد» ایران در مناقشه پاکستان و هندوستان

پس از حادثه تروریستی «پلوامه» مسئله «کشمیر» مجدداً سر باز کرده و با تنش‌های نظامی این روزهای هند و پاکستان، این سؤال جدی مطرح است که ایران چه رویکردی باید در پیش بگیرد؟

با توجه به مزیت «بازدارندگی هسته‌ای»، شواهد مختلف و عمل‌گرایی و عقلانیت موجود در هر دو دولت هند و پاکستان، وقوع یک جنگ همه‌جانبه بین این دو همسایه را بعید کرده است اما رویکرد ایران به این تنش، مستلزم نگاهی عمیق‌تر به مسائل و توجه ویژه به منافع قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای احساس می‌شود:

۱- ایالات متحده از زمانی که چین به عنوان قدرت نوظهور اقتصادی – نظامی خودنمایی کرده و امریکا را به چالش کشیده، در اسناد راهبردی خود، آسیا- پاسیفیک را راهبردی‌ترین منطقه در نظر گرفته است، لذا ایالات متحده با ابزارهای مختلفی به دنبال امنیتی کردن چین و بر اساس تئوری «موازنه نرم» به دنبال ایجاد اتحاد و تعهد و رابطه گسترده نظامی، اقتصادی و سیاسی در کشورهای پیرامونی چین و کشیدن کمربند امنیتی به دور این کشور بوده است. با توجه به همین موضوع، امریکا اقدام به برقراری روابط گسترده با کشورهایی چون ژاپن، کره‌جنوبی، استرالیا، تایوان و حتی دشمن قدیمی‌اش یعنی ویتنام کرده که در این بین، هند نقش و اهمیتی ویژه دارد. دهلی‌نو به عنوان یکی از قدرت‌های نوظهور اقتصادی، دارای ارتشی قدرتمند و سلاح هسته‌ای، دولتی دموکراتیک، نسبتاً مستقل و البته عمل‌گراست که مناقشات گسترده‌ای چه به لحاظ جغرافیایی و مرزی و چه به لحاظ سیاسی با دولت چین دارد. در یک قضاوت کلی، روابط چین و هند را می‌توان تیره و تار تحلیل کرد و امریکا از همین شکاف استفاده و با نزدیک شدن به هند این شکاف را تعمیق کرده است.

۲- چین با توجه به اختلافات عمیق با هندوستان، روابطی سنتی و راهبردی با پاکستان دارد و اساساً پاکستان را «عمق استراتژیک» خود می‌بیند و عمدتاً در مناقشه با هند، جانب پاکستان را گرفته و همین امر، دوری بیشتر چین و هند را سبب می‌شود.

۳- رابطه امریکا با پاکستان، فراز و فرودها و پیچیدگی‌هایی دارد. با توجه به دشمنی دیرینه هند و پاکستان، رابطه نزدیک امریکا با هند، موجب دوری و عدم اطمینان پاکستان به امریکا شده و امریکا هم نشان داده که بین هند و پاکستان، همواره جانب هند را گرفته است. موضوع بعدی در روابط دو کشور طی این سالیان، مناقشه افغانستان و مسئله طالبان بوده که این روابط را بیش از پیش به تیرگی کشانده است. امریکا به دلیل باز گذاشتن دست هند برای نفوذ در افغانستان، موجب اعتراضات بسیاری از جانب پاکستان و چین شده است. همه این مسائل سبب شده در سالیان اخیر روابط دو کشور تیره‌تر از قبل شود و موج امریکاستیزی هم در بین مردم و هم نخبه‌های پاکستانی گسترش پیدا کند. با این حال، امریکا در برخورد با پاکستان سیاست «کجدار و مریز» در پیش گرفته و هیچ‌گاه آن‌قدر از پاکستان دور نشده که پاکستان در دامن ایران، چین و روسیه بغلتد و البته پاکستان نیز با آگاهی و استفاده از همین وضعیت، در موقعیت‌های مختلف از امریکا امتیازگیری کرده است. همزمان، روسیه با انعقاد قراردادهای مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی با پاکستان، از فرصت دوری امریکا و پاکستان استفاده نموده و خود را بیش از پیش به اسلام‌آباد نزدیک کرده تا بتواند نقشی فعال‌تر در افغانستانِ تحت نفوذ امریکا ایفا کند.

۴- هند با ایران روابطی عمل‌گرایانه دارد. صریحاً باید گفت که اقتصاد هند به نفت و از آن مهم‌تر به بازار ایران نیازمند است. در دوران تحریم قبلی نیز با وجود سختی و ریسک هرگونه مراوده اقتصادی با ایران، هند ارتباط خویش با ایران را با هر مشقتی حفظ کرد. بنابراین، با توجه به ادامه سیاست نسبتاً مستقل و عمل‌گرای دولت هند، بعید به نظر می‌رسد که این کشور امریکا را به طور کامل در تحریم ایران همراهی کند.

۵- روابط پاکستان و ایران را هرچند نمی‌توان گرم توصیف کرد اما تقریباً ایران در هر شرایطی روابط حسنه خویش را با همسایه شرقی حفظ می‌کند. سفارت پاکستان در امریکا میزبان دفتر حفاظت منافع ایران است و مذاکرات اغلب پنهانی ایران و پاکستان، نزدیکی این دو کشور را نشان می‌دهد، ضمن اینکه ایران برای نقش‌آفرینی و نفوذ فعال‌تر در افغانستان، منافع مشترکی با پاکستان دارد. البته باید در نظر داشت که پاکستان برای ارتباط با ایران (تقریباً در همه مقاطع پس از انقلاب) همواره تحت فشار شدید امریکا و غرب از یک سو و عربستان و کشورهای عربی از سوی دیگر بوده است.

در مجموع ایران از حیث سیاسی با پاکستان و از بعد اقتصادی با هند پیوندهایی دارد که به نظر می‌آید در مناقشه این دو، گزینه مناسب ایران سیاست «عدم تعهد» است. عدم تعهد، به جمهوری اسلامی ایران این قدرت را می‌دهد که اولاً هر دو کشور را نزدیک خویش نگه دارد، ثانیاً برای میانجیگری و ایجاد صلح نقشی فعالانه‌تر را پذیرا باشد و قدرت و نفوذ خود را به سمت شرق بکشاند، ثالثاً در موقع مقتضی بتواند با کارت هند و پاکستان بازی کند و البته نباید فراموش شود که اقتصاد آینده جهان نه در غرب و نه در خلیج فارس بلکه در شرق ایران شکل خواهد گرفت.

خبر

اخراج ۲ کارمند سفارت هلند از ایران

ایران در واکنش به اخراج دو تن از دیپلمات‌های ایران از هلند که شش ماه پیش اتفاق افتاد، دیروز دو تن از کارمندان سفارت هلند در تهران را عنصر نامطلوب معرفی و دستور اخراج آنها را صادر کرد. بلافاصله هلند سفیر خود را از ایران برای توضیحاتی در این زمینه فراخواند.

به گزارش یورونیوز، استف بلوک، وزیر خارجه هلند، اقدام ایران در اخراج دو تن از کارکنان سفارت این کشور در تهران را «خیلی ناگهانی» خواند. استف بلوک در توئیتی نوشت: «تصمیم گرفته شد سفیر هلند در تهران را برای پاره‌ای مشورت‌ها فرابخوانیم. این تصمیم پس از آن اتخاذ شد که دو نفر از کارکنان سفارت هلند در تهران اخراج شدند. این پذیرفتنی نیست». وی همچنین با انتشار بیانیه‌ای گفت که تهران دو تن از کارکنان سفارت هلند را «عنصر نامطلوب» معرفی کرده است. صریحاً گفتیم که اخراج دو همکار هلندی غیرقابل قبول و برای روابط دوجانبه منفی است». بلوک در بیانیه خود تأکید کرد که این اقدام ایران «واکنشی است به اخراج دو دیپلمات ایرانی توسط هلند که در ژوئن ۲۰۱۸ اتفاق افتاد». دلیل اخراج دیپلمات‌های ایرانی ادعایی است که سازمان اطلاعات هلند از دست داشتن ایران در قتل دو هلندی ایرانی‌تبار در خاک هلند ارائه کرده است. در همین حال، محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران به این موضوع واکنش نشان داده و گفته که ایران نیز سفیر خود را برای مشورت فراخوانده است. بر اساس گزارش خبرگزاری ایسنا، ظریف درباره اقدام هلند در فراخواندن سفیرش از تهران و پشت صحنه این قضیه گفت: «این موضوع در دستور کار دستگاه‌های کشور بوده و بر اساس تصمیمی که به این وزارتخانه ابلاغ شد ما دو نفر از دیپلمات‌های هلند را در واکنش به اخراج غیرقانونی دیپلمات‌های‌مان اخراج کردیم». ظریف افزود: «اقدامات مقامات هلند درباره اخراج دیپلمات‌های ما مستند به هیچ شواهد یا سندی نبوده و اقدامی صرفاً سیاسی صورت گرفته است.»